



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

تاکتیک های مبارزاتی و رفتار سیاسی

حضرت فاطمه علیها السلام



سید غلامرضا حسینی

بنیاد بین المللی امام علی علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاکتیک های مبارزاتی و رفتار سیاسی حضرت فاطمه علیها السلام

نویسنده:

غلامرضا حسینی

ناشر چاپی:

بنیاد بین المللی امام علی علیه السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|-----------------------------------------------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۶ | تاکتیک های مبارزاتی و رفتار سیاسی حضرت فاطمه علیها السلام |
| ۶ | مشخصات کتاب |
| ۶ | اشاره |
| ۸ | فهرست مطالب |
| ۹ | مقدمه |
| ۱۵ | ترسیم خطوط فکری تشیع |
| ۱۸ | مرجعیت دینی و زعامت سیاسی |
| ۲۰ | وصایت و نص ، ملاک تعیین امام |
| ۲۴ | قربانیت با پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) شرط جانشینی |
| ۲۷ | جانشینی پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) در اندیشه فاطمی |
| ۳۱ | تاکتیک مبارزاتی فاطمه علیها السلام |
| ۳۶ | مجاهدت های بی وقفه فاطمه |
| ۳۸ | قوی ترین رکن سیاسی جامعه |
| ۴۱ | فاطمه علیها السلام عالمه ای مبارز |
| ۴۴ | حضور اجتماعی فاطمه علیها السلام |
| ۴۶ | حضور سیاسی در تداوم خلافت امامان |
| ۴۸ | فاطمه علیها السلام مظهر ایثار و مجاهدت |
| ۵۳ | درباره مرکز |

تاکتیک های مبارزاتی و رفتار سیاسی حضرت فاطمه علیها السلام

مشخصات کتاب

تاکتیک های مبارزاتی

و رفتار سیاسی حضرت فاطمه علیها السلام

سید غلامرضا حسینی

بنیاد بین المللی امام علی علیه السلام

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

مقدمه... 4

ترسیم خطوط فکری تشیع... 10

مرجعیت دینی و زعامت سیاسی... 13

وصایت و نص ملاک تعیین امام... 15

قربت با پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) شرط جانشینی... 19

جانشینی پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) در اندیشه فاطمی... 22

تاکتیک مبارزاتی فاطمه علیها السلام... 26

مجاهدت های بی وقفه فاطمه علیها السلام... 31

قویترین رکن سیاسی جامعه... 33

فاطمه علیها السلام عالمه ای مبارز... 36

حضور اجتماعی فاطمه علیها السلام... 39

حضور سیاسی در تداوم خلافت امامان... 41

فاطمه علیها السلام مظهر ایثار و مجاهدت... 43

ص: 3

با گذری به تاریخ اسلام، سیمای زنان قدیسه و عالی قدر فراوانند. برآستی کمتر انسانی می تواند به مرتبه کمال وجودی و اخلاقی خدیجه برسد، و هیچ انسانی جز پیغمبر و علی علیه السلام به پایه شناخت وجودی حضرت زهرا علیها السلام نمی رسد. حضرت زهرا علیها السلام بر فرزندان خود که امامند و بر پیغمبران غیر از خاتم الانبیاء برتری معرفتی و کمالی دارد. در تعالیم معرفتی و عرفانی اسلام در سیر من الخلق إلى الحق، یعنی در حرکت به سوی خدا هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست. تفاوتی که اسلام قائل است در سیر من الحق إلى الخلق است، در بازگشت از حق به سوی مردم و تحمل مسئولیت پیغمبری است که مرد را برای این کار مناسب تر دانسته است. (1)

در آیه تطهیر می خوانیم خدا چنین اراده کرده است و می کند که از شما اهل بیت، پلیدی را زایل کند، پاک و منزهتان بدارد و «یطهرکم تطهیرا». شما را به نوع خاصی تطهیر و پاکیزه کند. تطهیری که خدا ذکر کرده، و آن تطهیر عرفی و طبی نیست که منظور این باشد که بیماری ها را از شما زایل کرده و میکروب ها را از بدن شما بیرون می کند. البته اینها هم مصداق تطهیر هستند، ولی مسلم تطهیری که این آیه بیان می کند، در درجه اول از آن چیزهایی است که خود قرآن آنها را رجس میدانند. رجس در قرآن یعنی هر چه که قرآن از آن نهی می کند، هر چه که گناه شمرده می شود. می خواهد گناه اعتقادی باشد یا گناه اخلاقی و یا گناه عملی. اینها رجس و پلیدی است. این است که می گویند مفاد این آیه، عصمت اهل بیت علیهم السلام یعنی منزه

ص: 4

بودن آنها از هر نوع آلودگی است.

با رحلت نبی مکرم اسلام، باب نبوت یعنی پیامبری مسدود شد، اما باب کشف و شهود و الهام بسته نشد. ممکن است بشری از لحاظ صفا و کمال و معنویت برسد به مقامی که به قول عرفا یک سلسله مکاشفات برای او رخ می دهد و حقایقی از طریق علم الهامی به او ارائه می شود، ولی او مأمور به دعوت مردم نیست.

حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «ان الله تعالى جعل الذكر جلاء للقلوب تسمع به بعد الوقرة و تبصر به بعد العشوه و تنقاد به بعد المعانده». و بعد می فرماید: «و ما برح لله عزت له الآؤه في البرهه بعد البرهه و في ازمان الفترات عباد ناجاهم في فكرهم و كلمهم في ذات عقولهم. (1) یعنی: «همیشه در دنیا افرادی هستند که خداوند در باطن ضمیر شان با آنها حرف می زند. صدیقه طاهره در مقیاس مقام بندگی خداوند اینگونه بود با آن که پیامبر هم نبود. (2) اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) انسان های به کمال رسیده ای هستند؛ انسان های ساخته شده مطابق با عالی ترین مراتب انسانی. مقام و مرتبه ای که خداوند برای انسان معین کرده است. پیغمبر (صلی الله علیه و اله وسلم) فرمود: «انا اديب الله و على اديبي (3)؛ من تربیت شده خدا هستم و علی علیه السلام تربیت شده من است». علی علیه السلام یعنی نمونه یک انسان به کمال رسیده و پارسا و ربانی انسان کاملی که به مقان احدیت رسیده است، دختر پیامبر خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) تجسم عینی یک انسان به کمال رسیده و کاملاً انسان با همه صفاتی که خداوند برای بندگان خاص

ص: 5

1- نهج البلاغه، خطبه 222.

2- خاتمیت، ص 39.

3- بحار، ج 16، ص 231.

خود توصیف می کند.

علی علیه السلام انسانی است که سخن او، رفتار و کردار او، نمونه و درس است و

زهرا علیها السلام همچنین (1). قرآن درباره حضرت صدیقه طاهره می فرماید: «انا اعطیناک الکوثر»، کلمه ای بالاتر از کوثر نیست. در دنیایی که زن را شر مطلق و عنصر فریب و گناه می دانستند، قرآن می گوید: فاطمه نه تنها خیر است بلکه کوثر است؛ یعنی خیر وسیع، یک دنیا خیر (2).

آیه « اَدْنا اعطیناک الکوثر » مخصوصا به قرینه « اَنْ شَانِئَكَ هُوَ الاَبْتَر » اشاره به کثرت ذریه است. البته تنها کثرت ذریه، کوثر و خیر کثیر نیست؛ طیب بودن و صالح بودن و مصلح بودن و ستون فقره اسلام بودن نیز در این امر دخالت دارد. پس تنها نظر به کمیت نیست، کیفیت هم در نظر است.

عملا- معلوم شد که نسل پیغمبر که از بطن زهراست واقعا کوثر است؛ یعنی خود زهرا کوثر است، از زهرا کما و کیفا خیرات کثیر ظاهر شد. حضرت زهرا علیها السلام در زمان حیاتش به خاطر این که تحت شخصیت و عظمت رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) و امیر المؤمنین علیه السلام بود، بروز زیادی نداشت و ادب هم همین را اقتضا می کرد، ولی به حکم مثل معروف «ای بسا شاعر که بعد از مرگ زاد»، زهرا علیها السلام بعد از مرگش به وسیله ذریه پاکش زنده شد، خون پاک و پرجوش زهرا علیها السلام در رگ فرزندانش اثر کرد.

در میان قریش، هاشمیان و در میان هاشمیان، علویان و در میان علویان،

ص: 6

1- آشنایی با قرآن، ج 7، ص 56.

2- حماسه حسینی، ج 1، ص 327.

فاطمیان ممتازند. ستون فقرات اسلام بنی فاطمه اند. ائمه، علما، حکما، سیاسیون، شعرا، انقلابیون و نهضت‌کنندگان، آمران به معروف و ناهیان از منکر و بالاخره مصلحین از میان اینها برخاسته‌اند. این است سر خمس که نسب سادات، ممتاز و مشخص باشد و این است سر « قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ » (1) و این است سر این که پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) 40 روز خود را با ریاضت تصفیه می‌کند تا نطفه

زهرها علیها السلام منعقد شود.

بزرگ بانوی دو عالم در سنین جوانی به سرای باقی شتافت. ولی حجم عظیمی از صفحات تاریخ اسلام را به شخصیت معنوی، سیاسی و فرهنگی اجتماعی و مبارزاتی خود اختصاص داده است فقط در بعد علمی کافی است به خطابه علمی، فلسفی، عقلی، سیاسی، از ایشان در سن 18 سالگی بیان فرمودند مراجعه شود.

بعد علمی این خطبه نشانگر از وسعت و گستره اشraf آن بزرگ بانو به علوم معقول و منقول است این نطق پر محتوی و انسان و جامعه ساز، را تنها شیعه روایت نمی‌کند، بغدادی در قرن سوم این خطابه را نقل کرده است. همین یک خطابه کافی است که نشان بدهد زن مسلمان در عین این که حریم خودش را با مرد حفظ می‌کند و خودش را به اصطلاح برای ارائه به مردان درست نمی‌کند، معلوماتش چقدر است؟ ورود در اجتماع تا چه حد است.

خطبه حضرت زهرا علیها السلام توحید دارد در سطح توحید نهج البلاغه؛ یعنی در سطحی که دست فلاسفه به آن نمی‌رسد. وقتی که درباره ذات حق و صفات حق صحبت می‌کند، گویی در سطح بزرگ ترین فیلسوفان جهان است. از بوعلی سینا

ص: 7

ساخته نیست که این طور خطابه بخواند، یک دفعه وارد فلسفه احکام می شود. خدا نماز را به این خاطر واجب کرد، روزه، حج، امر به معروف و نهی از منکر را برای این دلیل واجب کرد، زکات را برای این واجب کرد و بعد شروع می کند به ارزیابی قوم عرب قبل از اسلام و تحولی که اسلام در این قوم به وجود آورد که شما مردم عرب چنین و چنان بودید. وضع زندگی مادی و معنوی آنها قبل از اسلام را بررسی می کند و آنچه را به وسیله پیغمبر از نظر زندگی مادی و معنوی به آنها ارزانی شده بود، گوشزد می کند. بعد در مقام استدلال و محاجه بر می آید. او در مسجد مدینه در حضور هزاران نفر خطبه می خواند و تمام سخنان خودش را گفت و زن و مرد مجلس را منقلب کرد. هم شخصیت دارد و هم عفاف، هم پاکی دارد و هم حریم، هیچ وقت خودش را در مصاف مبارزه و دفاع از ستمدیدگان بی تفاوت نمی انگارد، یک موجود بی تفاوت نیست که چیزی سرش نشود و از هیچ چیز خبر نداشته باشد.

البته ما زنان دیگری هم داریم که در قرآن تقدیس شده اند، اما نه در حد این دو زن، مثل مادر موسی علیه السلام. در احادیث ما رسیده است که کامل ترین زنهای جهان 4 زن هستند که دوتای اینها در امت های پیشین بوده اند، یکی زن فرعون، که نام او آسیه بوده است، و دیگری مریم؛ مادر مسیح علیه السلام. و اینها در درجه اعلی هستند، وگرنه قرآن از مادر مریم هم تجلیل کرده است، ولی نه در حد خود مریم. و دو زن در اسلام هستند که در عالیترین سطوحها قرار گرفته اند؛ یکی جناب خدیجه دختر خویلد، همسر بزرگوار پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) که به اتفاق شیعه و سنی تا این زن - که همسر اول پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) بود- زنده بود حضرت همسری دیگری انتخاب نکرد. علاقه رسول اکرم به زهرا سلام الله علیها اعجاب آور است. پیغمبر که گزاف حرف

نمی زند می فرماید: «فاطمه انسیه حوراء» فاطمه یک انسان بهشتی است مثل این که ما می گوئیم یک انسان فرشته صفت، که هم انسان است و هم فرشته، هم فضائل انسان را دارد و هم فضائل فرشته را .

و براستی فاطمه علیها السلام امامت و رهبری در جامعه اسلامی را دارای پایگاه محکم رسالت شمرده و غفلت از آن را زیان آشکار می دانند، و امام علی را به عنوان الگویی برتر در امور دین و دنیا معرفی کنند. همسر علی و فرزند رسالت در مسیر آگاه سازی جامعه و بیدار کردن مردمی که خود را عامدا بخواب زده بودند با تعریض بر جریان حاکم به علم امام علی و ائمه معصومین علیهم السلام اشاره کرده و می فرمایند: «ام انتم اعلم بخصوص القرآن و عمومه من ابی و ابن عم». امت در مورد خلافت، اختلاف نظر داشتند و هیچ گونه وحدت نظری در بین آنان نبود؛ لذا حضرت تأکید داشت که امامت از آن ما اهل بیت است و مصداق آن نیز علی بن ابی طالب است و خداوند اطاعت و پیروی از اهل بیت را سبب برقراری نظم، ره آورد امامت و رهبری آنان را عامل وحدت و دوری از تفرقه قرار داده است. «فجعل الله اطاعتنا نظاما للمله و امامتنا امانا للفرقه». (1)

بنیاد بین المللی امام علی (علیه السلام)

ص: 9

با گذری به تاریخ بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) و نگاهی به مبارزات سیاسی و

خطب و سخنان دختر پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله وسلم) خواهیم دانست که اصول و مبانی اندیشه های فکری سیاسی شیعه، نخستین بار توسط حضرت فاطمه علیها السلام مطرح شده است، حضور فعال سیاسی، اجتماعی و خطابه ها و پیامهای عمیق فاطمه علیها السلام، در تبیین مسایل دینی و ترسیم خطوط فکری مکتب تشیع است. بیشترین تلاش سیاسی، اجتماعی و روشنگری فاطمه علیها السلام در دفاع از امامت و جانشینی امیر المؤمنین امام علی علیه السلام است. فاطمه علیها السلام برای درک مفاهیم الهی تداوم رسالت رسول خدا در ولایت ائمه معصومین علیهم السلام، نخست به اهمیت امامت در اندیشه شیعیان پرداخته و در ادامه، مهم ترین باورهای شیعی در سخنان آن حضرت بیان می شود.

اساسی ترین محور اندیشه دینی مکتب تشیع، توحید و ولایت است که اساسی ترین اصول و مبانی سخنان حضرت فاطمه علیها السلام را به خود اختصاص داده، سپس ارتباط آن دورا با هم بیان و بر آن تأکید شده است. بیان مساله یکتاپرستی در بیانات آن حضرت در تبیین رسالت پیامبر خدا (صلی الله علیه واله وسلم) و پاسداری و مبارزه در قرار گرفتن جانشینی پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) در جایگاه و حیانی خود و حقانیت امامت و ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و ارتباط این دو به جهت این است که امامت و رهبری جامعه بعد از رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم)، تبلور و تجلی نظام توحید است؛ با این رویکرد که اصل امامت یعنی حاکمیت دینی و حکومت در اندیشه مکاتب آسمانی بویژه در جامعه اسلامی متعلق به خداست و از خدای متعال به پیامبر و از ایشان به ولی مؤمنین می رسد، (1)

لذا در روایت امام باقر علیه السلام چنین آمده است: « أَمَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَةً وَ

ص: 10

صَامَ نَهَارَهُ وَ نَصَّ دَقَّ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَلا يَهْ وَيُؤَيُّ اللّٰهُ فِيهِ اِيَهُ وَ يَكُونُ جَمِيعُ اَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ اِيَهُ مَا كَانَ عَلَيَّ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ حَقُّ فِي ثَوَابِهِ وَ مَا كَانَ مِنْ اَهْلِي الْاِيْمَانِ» (1). ولايت از همه احكام ديني مهم تر است و اگر امامت و رهبري اهل بيت و هدايتگري آنان نباشد، انسان نمي تواند در اردوگاه اهل ايمان قرار گيرد. با اين رويکرد موضوع امامت و رهبري جامعه اسلامي از اساسي ترين و اصولي ترين مباحث مبنائي و عقيدتي و از مفاهيم كليدي سياسي در بين فرقه هاي اسلامي در دوره هاي مختلف تاريخي بوده است؛ با اين تفاوت كه امامت در نظر اماميه از مهمترين و اساسي ترين اصول اعتقادي مكتب تشيع (2) و بنا بر نظريه برخي از اهل سنت از فروع دين است. (3) انديشمندان، فقهاء و علمای مكتب تشيع، مسئله امامت و رهبري جامعه جاياگاهي و رياستي عام كه با دورويکرد امور ديني و دنيايي، (4) تعريف نموده اند. (5) بر اين اندیشه اند كه امامت در باطن نوعي ولايت بر هدايتگري انسانها و تبين اعمال آنان است و در ظاهر علاوه بر هدايت انسان و نشان دادن راه، تا مقصد نهايي همراهي كردن انسان است. (6) در فرهنگ فكري شيعي رهبري و امامت منصوب معصوم است. (7) براساس چنين اندیشه اي شهرستاني مي نويسد:

ص: 11

-
- 1- برقي، بي تا، ج 1، ص 287: كليني، 1388 ق، ج 1، ص 19.
 - 2- مظفر، 1396 ق، ص 8؛ فياض لاهيجي، 1372: ص 467.
 - 3- غزالي، 1393 ق، ص 236؛ مظفر، 1396 ق، ج 2، ص 4؛ بحراني، بيتا: ص 363.
 - 4- الامامه رياسه عامه في امور الدين و الدنيا.
 - 5- بحراني، 1406 ق، ص 174؛ طوسي، 1363: ص 248؛ حلي، 1403 ق، ص 39.
 - 6- طباطبائي، 1394 ق، ج 1، ص 270-275.
 - 7- نباطي، 1384: ج 1، ص 112؛ مظفر، 1396 ق، ج 2، ص 7.

شیعه به کسی اطلاق می شود که تنها از علی علیه السلام پیروی می کند و قائل به امامت منصوب وی می باشد و ایشان را وصی رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) میدانند» (1).

منشور سیاسی شیعه اصل امامت را معرف مذهب می شمارد و آن را داخل در حوزه ایمانیات می داند. (2) موضوع امامت از مسائل حادثی نیست که در قرنهای اخیر پیش آمده باشد مبحث امامت و ولایت از عصر نبوت مطرح بوده است؛ همانگونه که صاحب مناقب نقل کرده، روزی رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) فاطمه را ناراحت دید و علت را پرسید؟ حضرت زهرا علیها السلام فرمود: عایشه به مادرم فخر فروشی می کند و می گوید او پیرزن و ازدواج کرده بود رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) فرمود: مادرت شایسته این بود که امامت این امت از دامن او باشند «ان بطن امك كان لامامه» (3).

در روایت دیگری رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) فرمود: «... وَالْأئِمَّةُ مِنْ وَلَدِهَا أُمَّنَاءُ رَبِّي وَ حَبْلُهُ الْمَمْدُودِ مِنْ اِعْتَصَمَ بِهِمْ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ هَوِيَ» (امامان از فرزندان فاطمه امین خداوند متعال و ریسمان کشیده او هستند، هر که به آنان تمسک جوید نجات مییابد و هر که از آنان تخلف نماید، هلاک می شود) (4).

روایت مشابه این از حضرت فاطمه علیها السلام نیز وارد شده است (5) علاوه بر اینها انصار در بیعت عقبه با پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) بر این اساس بیعت کردند که در هر شرایطی از پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) اطاعت کنند و در مسأله جانشینی با وی به نزاع بر نخیزند «ولاتنازع

ص: 12

1- شهرستانی، بی تا: ج 1، ص 130.

2- ر.ک. مطهری، 1362: ص 179.

3- ر.ک. ابن شهر آشوب، بی تا، ج 3، ص 383.

4- فتال نیشابوری، 1386: ص 325؛ ابن طاووس، 1389ق، ص 18؛ مجلسی، 1403ق ج 76، ص 355.

5- ر.ک. حرعاملی، 1414ق: ج 16، ص 244.

الامر اهله» (1) مراد از «امر» در اینجا امر در آیه اولوا الامر است. یا هنگامی که قبیله بنی عامر، خدمت پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) رسیدند و گفتند مسلمان می شویم و شما را یاری می دهیم به شرط اینکه بعد از شما، جانشینی از آن ما باشد، پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) که فرمود: «ان الامر الی الله یضعه حیث یشاء»، (این امر به دست خداست، هر که را خواست انتخاب می کند). (2)

مرجعیت دینی و زعامت سیاسی

خطبه تاریخی و ماندگار فاطمه علیها السلام با توجه به شرایط اجتماعی و زمانی ایراد آن، دقیقاً مرتبط با نظریه سیاسی آن حضرت درباره امامت است. صدیقه طاهره علیها السلام بین مرجعیت و زعامت دینی ائمه معصومین علیهم السلام و زعامت سیاسی تفاوتی قائل نیست. در نگاه فاطمه مرجعیت انحصاری دینی و سیاسی باید ویژگی های خاصی را داشته باشد، به این معنا که علاوه بر اهمیت شخص حاکم، چگونگی حکومت حاکم نیز مهم است. لذا هنگامی که فلسفه و اسرار احکام الهی را بیان می کند، مثلاً فلسفه نماز را دوری از کبر و غرور و فلسفه حج را استحکام دین می شمارد، فلسفه عدالت را جلب مشارکت مردم و حفظ و دفاع از حقوق جامعه و فلسفه امر به معروف و نهی از منکر را اصلاح جامعه میدانند و همه این ها را از مسایل مهم حکومت و مشروعیت آنها به دین برشمرده، در واقع استراتژی و منشور سیاسی اخلاقی حاکمیت بعد از پیامبر خدا (صلی الله علیه واله وسلم) به جمعه انسانی را می آموزد. فاطمه علیها السلام با تأکید بر اینکه یک پیوندی عقلانی الهی و ناگسستگی بین فلسفه نبوت و خاستگاه امامت وجود دارد،

ص: 13

1- هیشمی، 1408ق، ج 6، ص 49؛ امینی، 1398ق، ج 7، ص 134.

2- طبری، بی تا، ج 3، ص 430؛ بلاذری، 1417ق، ج 2، ص 102.

می فرماید: «اقول عودا و بدوا ولا اقول ما اقول غلطا» (1).

بعد از این سفارش و تاکید، قرابت و اخوت پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) را با علی علیه السلام و فداکاریهای بی بدیل او را در خدمت به اسلام و پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) یادآوری می کند. (2) این رفتار و گفتار حضرت تعیین مصداق برای ویژگی های امام است. فاطمه علیها السلام در مبارزات و خطابه های انقلابی خود علاوه بر حاکمیت سیاسی که برای امامت ائمه معصومین علیهم السلام قایل می شوند، از آنان به عنوان مرجع دینی و مایه پویایی مسلمانان و پایداری دین نام می برند. فاطمه علیها السلام برای بیان برتری امام علی علیه السلام در هدایتگری و مرجعیت سیاسی و دینی، اشاره به سابقه فداکاری های آن حضرت کرده و می فرماید: «كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ . . . قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا . . .» (هرگاه اینها آتش جنگ را روشن می کردند یا گمراهی سر بر می داشت یا مشرکی دهان به بیهوه گویی می گشاد، آنگاه اگر برادرش علی را در کام آنان می انداخت، علی علیه السلام باز نمی گشت تا بر سر و مغز مخالفان می نواخت و شعله آتش آنان را با شمشیر خود خاموش می کرد). (3) البته سبقت در اسلام بعدها نیز به عنوان یک مفهوم سیاسی مورد توجه دیگران قرار گرفت، به طوری که خلفای اولیه برای مشروعیت سیاسی خود به آن استدلال کردند (4).

ص: 14

1- خصیبی، 1411ق: 259.

2- همان، ص 257.

3- ابن طیفور، بی تا: ص 13.

4- ر.ک. ابن حنبل، بی تا، ج 1، ح 19796، 1722.

در اندیشه مکتب فاطمی و علوی، رهبر و امام جامعه باید از طرف خدا انتخاب شود و به منظور ابلاغ به مردم، به پیامبر معرفی گردد. از این امر به نص یا تنصیص تعبیر می شود. در تفکر شیعی وصایت و نص را ملاک تعیین امام میدانند و منکر اصل شورا و بیعت در تعیین امام است. اما در تفکر اندیشمندان اهل سنت، شورا و بیعت را دو ملاک تعیین امام می دانند و منکر وصایت و نص پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم) بر امامت و جانشینی بعد از وی هستند. روایاتی که دال بر انتصاب و تنصیصی بودن امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام دارند، بسیار است. (1) دختر رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) در ادامه بیدارسازی جامعه عصر خود در اجتماع زنان انصار فرمود: «و تالله لو مالوا عن المحجة الاثمه و تکافؤا عن زمام نبذه الیه رسول الله و زالوا عن قبول الحجة الواضحة لردهم الیها و حملهم علیها و لسان بهم سیرا سجحا..» (به خدا سوگند اگر پای در میان می نهادند و علی را بر کاری که پیامبر به عهده او نهاد می گذاردند، آسان آسان ایشان را به راه راست می برد و حق هر یک را بدو می سپرد چنانکه کسی زیان نبیند و هرکس میوه آنچه کشته است بچیند) و در بیانی دیگر فرمود: «وقد اوصاکم رسول الله باتباعنا و مودتنا و التمسک بنا» (2). حضرت براساس تنصیصی بودن ولایت امام علی علیه السلام ، خلافتی که برخاسته از توطئه افتراق در جامعه و انحراف از سیره و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) را که زاده شده سقیفه بنی ساعده بود، انکار نمود و همان طوری که حضرت پیش بینی کرده بودند، خلافت به سلطنت و سپس به خود کامگی منجر شد.

ص: 15

1- کلینی، 1388ق: کتاب الحجة.

2- قمی، 1412ق، ص 17.

حضرت فاطمه علیها السلام در جمع زنان انصار و مهاجر به علم امام اشاره می نمایند «ویحهم انی زعزعوها عن روای الرساله و قواعد النبوه و الدلاله و مهبط الروح الامین و الطبین بامور الدنیا و الدین» (1)؛ (وای بر آنان چرا نگذاشتند حق در مرکز خود قرار گیرد؟ و خلافت بر پایه نبوت استوار ماند و از خانه ای که جبرئیل در آن فرود می آمد به خانه دیگر بردند و حق را از دست علی که عالم به امور دین و دنیاست در آوردند).

فاطمه علیها السلام امامت و رهبری در جامعه اسلامی دارای پایگاه محکم رسالت شمرده شده و غفلت از آن را زیان آشکار می دانند و امام را عالم به امور دین و دنیا معرفی کند. همسر علی و فرزند رسالت در مسیر آگاه سازی جامعه و بیدار کردن مردمی که خود را عامدا بخواب زده بودند با تعریض بر جریان حاکم به علم امام علی علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام اشاره کرده و می فرمایند: «ام انتم أعلم بخصوص القرآن و عمومه من ابی و ابن عم». امت در مورد خلافت، اختلاف نظر داشتند و هیچ گونه وحدت نظری در بین آنان نبود؛ لذا حضرت تأکید داشت که امامت از آن ما اهل بیت است و مصداق آن نیز علی بن ابی طالب است و خداوند اطاعت و پیروی از اهل بیت را سبب برقراری نظم، ره آورد امامت و رهبری آنان را عامل وحدت و دوری از تفرقه قرار داده است. «فجعل الله اطاعتنا نظاما للمله و امامتنا امانا للفرقه» (2). قرار گرفتن رهبری و زعامت جامعه در مسیری غیر از فران خداوند و رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) و به دست دیگران که اهلیت الهی برای تصدی این مقام نداشته

ص: 16

1- طبرسی، 1416ق، ج 1، ص 147؛ صدوق، 1361: ص 3.

2- طبرسی، 1416ق: ج 1، ص 134.

علاوه بر این که اسباب تشمت جامعه می شود در حقیقت غضب است: «نقضت عهد الله فی امیر المؤمنین علی علیه السلام»

همچنین فرمودند: «خلاف حکم خدا و سنت رسولش امامت او را غضب کردند»؛ «امامته مقتضه علی غیر ما شرع الله» (1)؛ فاطمه علیها السلام در نهضت بزرگ افشاگری و آگاه سازی جامعه آن عصر می خواست اصل اساسی حاکمیت اسلامی از آمیخته شدن به هواهای نفسانی دور بماند و خلافت و حاکمیت را که بنا به حکم خدا و رسولش متعلق به امام علی علیه السلام بود به وی برگرداند. و در بیانی دیگر می فرماید: «خلف بعد خلف حتی یقوم قائمنا التاسع من ولد الحسین» (2). توجه به تعداد امامان شیعه از نسل امام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام که بعدها نیز مورد تأکید امام صادق علیه السلام و سایر ائمه بود در مواردی دیگری نیز اشاره شده است که عبارتند از: - «و اسماء الاوصیاء من ولدی» (3). - «فیها اسماء الائمة من ولدی» (4). - «و ان بعلی سید الاوصیاء و ولدی ساده الاسباط» (5). حضرت فاطمه علیها السلام امامت را تنها مختص به اهل بیت و مصداق آن را نیز در زمان خود امام علی علیه السلام می دانست و در مواردی که ذیلاً بیان می شود؛ به این امر با ذکر اسم امام علی علیه السلام اشاره کرده است. - علی علیه السلام پدر امت «ابو هذه الامه محمد و علی» - علی علیه السلام بهترین جانشین رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم): قال رسول الله (صلی الله علیه و اله و سلم):

ص: 17

1- ابن شهر آشوب، بیتا: ج 2، ص 49.

2- نباطی، 1384، ج 2، ص 123.

3- کلینی، 1388ق، ج 1، ص 527؛ صدوق، 1404ق، ج 2، ص 49.

4- صدوق، 1404ق، ج 2، ص 47؛ طبرسی، 1416ق، ج 2، ص 136.

5- صدوق، 1417ق، ص 691؛ فتال نیشابوری، 1386: ص 144؛ ابن حمزه، 1412ق: ص 287.

«علی خیر من اخلفه فیکم» - حدیث غدیر خم: «واعجباه انسیتم غدیر خم علی خیر من اخلفه فیکم» - علی علیه السلام امام و خلیفه رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) با استناد به حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم): «و هو الأمام و الخلیفه بعدی»؛ از این سخن بر می آید که خداوند متعال در امتداد رسالت رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) خود شخص علی بن ابی طالب را برگزید. (1)

- علی علیه السلام مولای مسلمانان، با استناد به حدیث غدیر خم: «من کنت مولاه فعلی مولاه»؛ - علی علیه السلام برای رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) همانند هارون برای موسی، با استناد به حدیث منزلت: «انت منی بمنزله هارون من موسی»؛ - علی علیه السلام امامی ربانی و آسمانی: «و هو الامام الربانی»؛ - علی علیه السلام عالمترین اشخاص به قرآن، «ام انتم اعلم بخصوص القرآن و عمومه من ابی و ابن عمی» - علی علیه السلام محور امامت، «هو الامام الربانی... و سلاله الاطیاب».

حضرت با اشاره به تعداد امامان شیعه، نه نفر از آنان را از صلب امام حسین علیه السلام و نفر آخر آنان را امام مهدی علیه السلام معرفی کرده و فرموده است: - «و تسعه من صلب الحسین ائمه الابرار»؛ نه نفر از امامان از فرزندان حسین پیشوایان نیک هستند؛ - «هذه اسماء الاوصیاء اولهم ابن عمی و احد عشر من ولدی آخرهم القائم»؛ حضرت در جواب سؤال جابر که از صحیفه نزد حضرت فاطمه سؤال کرد فرمود: این نام اوصیا و جانشینان رسول خداست که نخست آنان پسر عمویم علی بن ابی طالب و یازده تن از آنان از فرزندان منند و آخرین آنان قائم است (2). و همه این بیانات نورانی حضرت صدیقه طاهره دلالت تنصیصی بر ولایت و رهبری جامعه

ص: 18

1- البته شواهد حدیثی و تاریخی فراوانی هست که خداوند خود امام علی بن ابی طالب را برگزید مانند این که همه را از مسجد بیرون کرد و او را داخل کرد یا حدیث نجوی، حدیث رایت (خیبر) و....

2- صدوق، 1404ق، ج 2، ص 52؛ حر عاملی، 1414ق، ج 16، ص 345.

قرابت با پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) شرط جانشینی

بزرگ بانوی دو عالم برای آگاهی بخشی به جامعه در خواب غفلت فرورفته آن روز، یکی از ویژگی های بارز و شاخص امام و رهبری جامعه، قرابت با رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) بیان می کرد. از آن جهت که امام و جانشین پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) باید تحت نظارت مستقیم پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) و در پرتوی آئین الهی تربیت شود، خداوند جانشینان حضرت را از بین اقربا و خویشاوندان وی بر می گزیند. بحث قرابت در تاریخ انبیاء سلف نیز در خصوص انتخاب جانشین از خویشاوندان توسط انبیای گذشته نیز ذکر گردیده است. (1)

علاوه بر اینکه در قرآن به اقربای رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) عنایت ویژه ای شده است. فاطمه علیها السلام در بیانی دیگر چنین می فرماید: «ایها الناس اعلموا انی فاطمه و ابی محمد... و ان تعزوه و تعرفوه تجدوه ابی دون نساءکم و اخا ابن عمی دون رجالکم». دختر رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) ضمن اشاره به اخوت رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) و امام علی علیه السلام، بر قرابت این دو اشاره کرده و این قرابت را مایه عزت امام علی علیه السلام می داند: «ولنعم المعزی الیه»؛ (چه سعادت‌مند و عزیز است کسی که به رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) نسبت داده شود) (2). از موارد دیگری که به قرابت مربوط می شود و مورد تأکید آن حضرت بوده و امروز نیز جزو باورهای مسلم شیعه است و نخستین بار در کلمات ایشان آمد، سهم «ذوالقربی» است؛ به تصریح قرآن کریم ذوالقربی همان اهل بیت رسول

ص: 19

1- حدید، 26؛ انعام، 84؛ بقره، 124.

2- طبرسی، 1416ق: ج 1، ص 147.

خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) هستند و از اموال مسلمانان حقی دارند، که خلیفه دوم و مخالفان سنت و سیره رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم) پس از گرفتن فدک، حضرت فاطمه و دیگر بنی هاشم را از حقوق مسلم شرعیشان در خمس نیز محروم کردند. نتیجه این کار خلیفه و حامیانش، آغازی برای اختلاف میان عالمان درباره «غنائم» و نحوه تقسیم آنها، «فی»، «خمس» و دیگر مسائل بود. ریشه همه این اختلافات از مصادره هدیه رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) به دست خلیفه و ممانعت از دادن ارث حضرت فاطمه علیها السلام و سهم ذی القربی به صاحبان آن بود. این اختلاف بعدها موجب اختلاف بزرگتری درباره شناختن اهل بیت شد (1). تا اینکه در زمان امام صادق علیه السلام آن حضرت با گذاشتن شروطی محدودده اهل بیت را مشخص و برخی از اقوام مانند زیدیه را از این محدودده خارج نمود. با توجه به این که قرابت در ذهن مسلمانان جایگاه ویژه ای داشت، حضرت نیز تأکید زیادی در توجه به قرابت اهل بیت علیهم السلام کرده است.

در نشست نامبارک سقیفه بنی ساعده نیز، قریش برای تصدی خلافت به قرابت خود با رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) تمسک نمودند و از سخن تأثیر گذار «الائمه من قریش» بهره بردند. وقتی انصار به فضایل خود استدلال کردند، ابوبکر گفت: «عرب هرگز راضی نمی شود که مردی غیر از نزدیکان و اقربای رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) حکومت کند، خویشاوند و عشیره وی، ما هستیم، بدین جهت کسی را یارای معارضه با ما در این جهت نیست» (2). وجود باکرامت امام علی علیه السلام هنگامی که استدلال مهاجرین را شنید فرمود: «با استدلال انتسابشان به شجره (پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم))، ثمره و میوه را ضایع

ص: 20

-
- 1- ایوب، 1413ق، ج 1، ص 388.
 - 2- ابن ابی الحدید، بیتا: ج 2، ص 38، ج 6، ص 9.

کردند» (1). دختر رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) در مقام احتجاج با قریش که امامت را با توجه به قرابت با رسول (صلی الله علیه واله وسلم) ربودند، در چند جای خطبه بر قرابت خویش و امام علی علیه السلام تأکید کرده و فرمود: «یا ایها الناس اعلموا انی فاطمه و ابی محمد» و در جای دیگر فرمود: «اما کان رسول الله ابی یقول المرء یحفظ فی ولده» (2). و این امر مهم در جانشینی پیامبر خدا (صلی الله علیه واله وسلم) که پیوند با رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) است در ادعای بی اساس و دروغین اهل سقیفه بنی ساعده نادیده و مورد غفلت قرار گرفت و حق را نادیده انگاشتند و خلافت و جانشینی را از مسیر الهی خود منحرف کردند، اما در مصداق مغالطه شد. سیره و سنت انبیای الهی انتخاب وصی است.

چنانچه از رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) نقل شده، تمام انبیا وصی داشتند (3) وصی، جانشین کسی است که بعد از مرگ کارهای مربوط به ایشان را انجام دهد. مسأله وصایت قبل از اصل امامت مطرح بوده است؛ چنانکه یعقوبی در کتاب تاریخ خود به این مسأله در روز بیعت با حضرت علی علیه السلام اشاره می کند (4) و بلاذری نیز جمله اصحاب امام علی علیه السلام را در جنگ جمل نقل می کند که می گفتند «قتل من یخالف الأوصیا» (5). مسأله وصایت در جنگ صفین و نهروان نیز مطرح شده است، (6) در

ص: 21

1- ابن ابی الحدید، بی تا، ج 6، ص 4.

2- ابن طیفور، بی تا، ص 117؛ اربلی، 1405ق، ج 2، ص 113.

3- صدوق، 1386، ج 2، ص 496.

4- یعقوبی، بی تا، ج 2، ص 79.

5- بلاذری، 1417ق، ج 3، ص 43.

6- ر.ک. یعقوبی، بی تا، ج 2، ص 192؛ مسعودی، 1409ق، ج 2، ص 428 و 430، ج 3، ص 12؛ طبری، بی تا، ج 4، ص 340.

سخنان امام حسن علیه السلام نیز این امر مورد تأکید قرار گرفته است (1).

فاطمه علیها السلام پیوسته بر آن تأکید و غفلت از آن، خیانت به اهل بیت میدانست. در بیانی دیگر فرمود: «ویلکم ما اسرع ما ختم الله ورسوله فینا اهل البیت و قد اوصاکم رسول الله باتباعنا و مودتنا و التمسک بنا» (2). و در فرازی دیگر: «فقد النبي و ظلم الوصي» (3)؛ رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) از میان ما رخت بر بست و به وصی او ظلم شد. و با استناد به حدیث شریف نبوی در می فرماید: «علي خیر من اخلفه فیکم هو الامام و الخلیفه بعدي» (4) (علی بهترین کسی است که وی را جانشین خود در میان شما نهادم).

جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در اندیشه فاطمی

توجه حضرت فاطمه علیها السلام در مرحله نخست حضور اجتماعی خویش به مسأله جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) است و تمامیت دین و رستگاری مسلمانان را با آن مرتبط می داند. مسأله جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) مهمترین اصل در مبانی اعتقادی و نقش محوری در باور مسلمانان بویژه شیعیان بیان می کند. فاطمه علیها السلام رهبری جامعه اسلامی بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) را مختص به کسانی میدانند که شایستگی و لیاقت الهی زعامت جامعه انسانی دارند و این امر براساس نص صریح کلام وحی و شواهد و گواه تاریخ جز خاندان پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و در رأس آنان علی علیه السلام نمی داند و شناخت توحید و ایمان

ص: 22

1- حاکم نیشابوری، 1406ق، ج3، ص 172.

2- قمی، 1343: ص 17.

3- ابن شهر آشوب، بی تا: ج2، ص 49؛ قمی، 1343: ص 191.

4- خزاز قمی، بی تا، ص 199.

به رسالت پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) را نیز مقدمه این امر مهم در هدایت و تکامل بشر می شمارد (1).

در تفکر حضرت فاطمه علیها السلام، جانشینی پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) از مسایل ضروری دین است، نگاه به موضوع رهبری جامعه پس از رحلت و امامت جامعه پس از سقیفه بنی ساعده نخستین بار در موضع گیری های اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام آمده است. بیان مسأله معاد و معارف قرآنی که در خطبه انقلابی صدیقیه طاهره علیها السلام در تبیین واقعیت های جامعه آن روز و دفاع از رهبری و امامت آمده است، نمی تواند بی ارتباط با جانشینی باشد، جایگاه اعلی و عصمت اهل بیت علیهم السلام سبب می شود که حضرات ائمه معصومین به هر دو نشئه دنیوی و اخروی محفوظ از خطا باشند و نقش محوری در هدایت انسانها داشته باشند؛ بنابر این مسئله ولایت و هدایتگری با معاد نیز مرتبط است. (2) فاطمه باشد بعد از سقیفه بنی ساعده (3) براساس رسالت انسانی

ص: 23

1- همان، ص 259.

2- خطبه حضرت زهرا علیها السلام در مسجد مدینه، نخستین بار در «بلاغات النساء» احمد بن ابی طاهر طیفور آمده است؛ بعد از وی این خطبه در «علل الشرایع» صدوق، «شافی» سید مرتضی، «شرح نهج البلاغه» ابن ابی الحدید، «کشف الغمه» اربلی، «طرائف» سید بن طاووس، «مناقب» اصفهانی و «احتجاج» طبرسی نیز نقل شده است.

3- بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) مسأله جانشینی آن حضرت با بحران مواجه شد. آن حضرت در آخرین روزهای حیات خویش سپاه اسامه را تشکیل داد و دستور داد تا سران مهاجر و انصار به سرحدات روم بروند، اما سپاه اسامه بدون هیچ دلیل موجهی حرکت نکرد تا رسول خدا کی رحلت کرد و انصار از خوف تسلط مهاجران، عجلانه در سقیفه بنی ساعده جمع شدند (ابن سعد، 1410ق، ج 3، ص 182) تا رهبری از خود انتخاب کنند. اشتباه عجلانه انصار برای انتخاب رهبر از بین خود، در حقیقت موقعیت مناسبی برای ابوبکر فراهم ساخت و با ابوبکر به عنوان خلیفه بیعت شد (مادلونگ، 1377: ص 63).

و دینی خود در مسجد مدینه و برای بیان حقائق فراموش شده از طرف صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) و در دفاع از حضرت علی علیه السلام همه حاضران را مورد خطاب قرار داده و همه آنان را از فردایی تلخ و تاریک آگاه می سازد، و بین افکاری که سقیفه را به وجود آورد و تفکر اهل بیت علیهم السلام که تنها به سلامت دین می اندیشیدند، تمییز داده و با انحرافات که در اصول سیاسی اسلام ایجاد شده بود، به مبارزه برمی خیزد و هدایتگری و رهبری را که مصداق آن در امام علی علیه السلام متبلور بود، عهد و پیمانی از جانب خداوند متعال و رسول وی دانسته و اعراض از امامت اهل بیت علیهم السلام را از نخستین نشانه های انحراف در جامعه اسلامی قلمداد کرده است، لذا در وصیت نامه خود فرمود: «لا تصلي علي امه تقضت عهد الله و عهد ابي رسول الله في امير المؤمنين علي» (1). دختر رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) علاوه بر بیان جایگاه و نقش امامت، این فرجام نامیمون و عاقبت دردناک و شوم را برای نادیده گرفتن سفارش خداوند پیش بینی می کرد که اگر نظامی الهی رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) که با مجاهدت های بی شائبه ایشان پی ریزی شده بود، پس از رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) به سود عده ای تغییر پیدا کند، روش عادلانه و الهی او به سیرت جاهلی بر می گردد و زمامداری، خاص گروه هایی می شود که در جاهلیت بر عرب سلطه سیاسی یا مهتری مالی داشتند. بزرگ بانوی دوعالم علیها السلام به عنوان نمونه انسان کامل، متعالی و منحصر به فرد زن مسلمان و مدافع دین خدا و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم)، اولین کسی بود که به دفاع از علی علیه السلام در مقابل تصمیم سقیفه بنی ساعده برخاست و معتقد بود که اهل سقیفه به بیراهه رفته اند و آنچه مایه وفاق امت می شود، امامت اهل بیت علیهم السلام است، فاطمه با تقبیح آنچه در

ص: 24

سقیفه صورت گرفت، اصول فکری، اعتقادی، سیاسی و اجتماعی امامت را بیان کرد تا مسلمانان را گرد محور امامت اهل بیت علیهم السلام جمع کند. تأکید داشت که حاکمیت حق کسانی است که دین، حقانیت آنان را به رسمیت شناخته و بیان کرده است. وقتی از جمع کردن مسلمانان حول محور اهل بیت علیهم السلام ناامید شد، موضع صریح و آشکار خود را در مقابل اقدام سقیفه بنی ساعده اتخاذ کرد. عده ای نیز به پیروی از حضرت به مخالفت با ابوبکر برخاسته و در خانه وی جمع شدند. سپس حضرت از انصار کمک خواست، شب هنگام همراه دو فرزندش امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام به خانه های انصار می رفت و کمک می خواست (1). وقتی از این اقدامات هم ناامید گشت، فرمود: «یه خدا سوگند بعد از هر نمازی شما را نفرین خواهم کرد» (2).

مهمترین موضع حضرت در مقابل سقیفه تأکید بر امامت اهل بیت بود و در همین راستا وصیت به دفن خود در شب و مخفیانه نمود که آثار و پیام این وصیت تا به امروز باقی و قبر مطهرش مخفی است (3).

دختر رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) بعد از ناامیدی از همراهی انصار در جمع زنان مدینه در بیانی انقلابی به کدورت مردم به حضرت علی علیه السلام فرمود: چه باعث شد که با علی علیه السلام کینه توزی نمایند و انتقام گیرند؟ چون سوزش تیغ او را چشیدند و پایداری او را دیدند که نسبت به مرگ بی اعتنا بود، و.... (4).

خاطیان و منحرفان از فرمان رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) در واکنش به موضعگیری حضرت

ص: 25

1- ابن ابی الحدید، بی تا، ج 11، ص 14.

2- ابن قتیبہ، 1363، ج 1، ص 14.

3- شیخ صدوق، 1361: ص 356؛ جوهری بغدادی، 1413ق، ص 147.

4- ابن طیفور، بی تا، ص 32.

فاطمه علیها السلام نسبت به امامت جامعه، آن حضرت را تهدید کردند (1) و با نادیده گرفتن فرمان الهی تمام حقوق مشروع مالی اهل بیت علیهم السلام اعم از خمس، فدک، سهم ذوی القربی را - که قرآن به آن تصریح دارد - از آنان دریغ داشتند (2). قاطبه انصار و اکثر مهاجران بعد از اعتراض حضرت فاطمه علیها السلام متوجه شده و از انتخاب ابوبکر به عنوان خلیفه راضی نبوده و شکی نداشتند که علی علیه السلام امیر مومنان بوده و کسی بر وی مقدم نمیشود، چنانکه نقل شده: «و کان عامة المهاجرین و جل الانصار لا یشکون أن علیا هو صاحب الامر بعد رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم)» (3). اما دیگر پشیمانی برای کسانی که به فرمان خدا و پیامبرش پشت کرده بودند سودی نداشت.

تاکتیک مبارزاتی فاطمه علیها السلام

تاکتیک مبارزاتی حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از ارزش های دینی و اهداف رسالت رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) و پاسداری از ولایت و امامت، افشاگری و بی توجهی و سخن نگفتن با عاملان و متمردان از فرمان الهی و حاکمان وقت بود (4). صدیقه طاهره علیها السلام راهبرد سیاسی را آغاز کرد که تداوم دهنده تاکتیک ها و شیوه های مبارزاتی قبلی آن حضرت بود. تمامی این مبارزات و راهبردهای سیاسی در راستای یکدیگر معنا می دهند. آن حضرت با اتخاذ استراتژی خاص از قبیل گریه در مراکز شلوغ و محل

ص: 26

1- یعقوبی، بی تا، ج 2، ص 126؛ ابن قتیبه، 1363، ص 18؛ مسعودی، 1409ق، ج 2 ص 301.

2- ر.ک. طبری، بی تا؛ ج 2، ص 444؛ کحاله، بی تا، ج 4، ص 124؛ ابن عبدربه، 1403ق، ج 4، ص 260؛ مفید، 1413ق، ص 115؛ ابن قتیبه، 1363: ص 13.

3- یعقوبی، بی تا، ج 2، ص 124؛ ابن ابی الحدید، بی تا؛ ج 6، ص 23.

4- ر.ک. اربلی، 1381ق، ج 2، ص 1 د 03؛ بخاری، ج 8، ص 26 و 210؛ سیوطی، 1382: ص 67؛ سعید، 1350: ص 35.

عبور و مرور مسلمانان، حضور در مسجد و مراجعه به خانه های مهاجر و انصار که تمامی آنها با حضور قوی آن حضرت در صحنه مبارزات سیاسی همراه بودند، جامعه را از لحاظ افکار تحت تأثیر قرار داد، ولی ناگهان شیوه مبارزه سیاسی خود را تغییر داد و سکوت اختیار کرد. این تاکتیک و شیوه جدید در اذهان جامعه که به حضور آن حضرت در صحنه عادت داشتند، سؤال ایجاد می کرد و مسئله برانگیز بود که چه شده است که فاطمه زهرا علیها السلام سکوت کرده است؟ این تغییر رویه به طور طبیعی، توجه اجتماع را جلب می کرد و افکار عمومی را به تکاپو و امی داشت تا در پی یافتن علت آن باشند. فاطمه علیها السلام در محاجه خود عهد کرد که دیگر با عاملان اصلی ایجاد اختلاف در جامعه و کسانی که نسبت به فرمان خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) عهدشکنی کردند سخن نگوید. (1) پس از حضور خلیفه و همراهان در خانه دختر پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم) و گفت و گوی کوتاه آنها با حضرت فاطمه علیها السلام - که حضرت علی علیه السلام در این میان پیامبر سخن مابین فاطمه علیها السلام و خلیفه وقت بود (2) و گرفتن اعتراف از خلیفه وقت مبنی بر مقام شامخ حضرت فاطمه علیها السلام از زبان پیامبر مبنی بر اینکه رضایت فاطمه رضایت خدا و خشم او خشم خداست، فاطمه زهرا علیها السلام مشروعیت خلیفه را زیر سؤال برد و اذهان جامعه و افکار عمومی را در مشروعیت خلیفه وقت دچار تردید کرد. پس از اینکه آن حضرت از خلیفه وقت اعتراف گرفت، قسم خورد که دیگر با او سخن نگوید و با این دیدار و سخن فاطمه زهرا علیها السلام، مشروعیت حاکمان وقت بیش از گذشته زیر سؤال رفت و در بسیاری از اذهان که نادانسته و

ص: 27

1- دشتی، 1378: صص 150-170.

2- ر.ک. قشیری نیشابوری، 1407ق، ج 4، ص 125.

تحت تأثیر جو موجود بیعت کرده بودند، شک و تردید و پشیمانی ایجاد شد و بدین سان، این حربه بسیار مؤثر واقع گردید. یکی دیگر از راهبردهای عالمانه و در اوج تدبیر و عقلانی فاطمه علیها السلام که عملاً تمام فریبکاریها و خدعه عوامل نفاق در جامعه بعد از پیامبر خدا (صلی الله علیه واله وسلم) آشکار ساخت و ضربه مهلکی بر پیکره حکومت وقت وارد آورد، وصیت نامه سیاسی، اجتماعی آن حضرت است؛ وصیت نامه ای که برای بیدار ساختن افکار خفته و توجه افکار عمومی و عدم بهره بردای حاکمان سیاسی وقت از مراسم سوگواری و دفن آن حضرت نگاشته شد. (1) مؤید کلام آن که عده ای از عایشه نقل کرده اند اینکه فاطمه علیها السلام بر خلیفه وقت و عاملان جبهه نفاق و خیانت به آرمان رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) غضب کرد و با آنان سخن نگفت و همچنان بر این حال بود تا از دنیا رفت. (2) فاطمه علیها السلام در نگاه و نگارش عالمانه و الهی خود که بصورت یک منشور سیاسی و اجتماعی آورده است و در تاریخ با عنوان وصیت نامه سیاسی ثبت گردیده تأکید می کند که همسرش امام علی علیه السلام، جانشین و ولی بر حق خداست، و تاریخ گواه بر این سند است که آن روز هیچ سیاست مداری چنین آگاهانه و مدبرانه و با آن ظرافت های سیاسی، عمل نکرده بود، بلکه شیوه ای بکر و تازه بود که از سوی سیاست مداری حرفه ای به خاطر دفاع از حریم ولایت و تحقیر موقعیت سیاسی خلیفه وقت اتخاذ شده بود. از این گذشته، فاطمه علیها السلام برای ابراز مخالفت با حاکمان وقت و توطئه گران و در جهت بیدار کردن افکار خاموش جامعه آن روز

ص: 28

1- بخاری، 1414 ق، ج 5، ص 139؛ مجلسی، 1354: ص 183 و 214؛ شوشتری، 1403 ق: ج 10، ص 453.

2- بخاری: ج 4، ص 63.

نسبت به خیانتی که اهداف الهی رسول خدا گردیده بود به صراحت اعلام کرد و در وصیت خود رسماً آورد که افرادی که به فرمان خدا پشت کردند و حق مسلم ولایت و رهبری جامعه را در غیر از جایگاه الهی خود قرار دادند و به او ستم کرده اند حق شرکت در تشییع جنازه اش ندارند و شبانه او را دفن کنند. (1) در حقیقت، با این استراتژی، راهبرد سیاسی از دست حاکمان وقت گرفته شد. آنان می خواستند با نیرنگ و عوام فریبی در سوگ و ماتم دختر پیامبر خاتم (صلی الله علیه و اله وسلم) با مرثیه سرایی و اشک و ماتم و ابراز ارادت دروغین به آن حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و تأسف از رحلت او حضور سیاسی، اجتماعی و مبارزات بی وقفه آن حضرت زهرا علیها السلام را در دفاع از ارزشهای اسلامی و تبیین حقانیت امامت و رهبری امام علی علیه السلام را تحت الشعاع قرار دهند و خلافت غاصبانه خود را در اذهان جامعه بر حق جلوه گر سازند. اما دفن شبانه آن حضرت و نامشخص بودن مکان دفن ایشان، این سؤال را در میان امت اسلامی ایجاد کرد که چرا دخت گرامی پیامبر و یگانه گوهر گرانقدر او چنین وصیتی کرده است؟ با عمل به وصیت آن حضرت توسط حضرت علی علیه السلام، اذهان جامعه دچار شک و تردید شد و تا حد زیادی مشروعیت خلیفه وقت زیر سؤال رفت و مظلومیت آن حضرت بیشتر نمایان گردید و اینکه چرا حضرت زهرا علیها السلام در مدت 75 (2) روز با تمام تاب و توان، با شیوه های گوناگون تلاش کرد تا مسیر انحرافی امت را روشن سازد که چرا امام بر حق علی علیه السلام را تنها گذاشته اند و کج راهه ای را انتخاب کرده اند که خلاف حق و حقیقت است، در حالی که علی علیه السلام

ص: 29

1- مجلسی: ج 43، ص 209.

2- و به قولی 95.

بر حق است. پس از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه واله وسلم) هنگامی که حضرت علی علیه السلام در حال غسل و کفن و دفن پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) بود، بعضی از بازیگران سیاسی با مسموم کردن جو، در «سقیفه بنی ساعده» خلافت را غصب کردند. از حضرت علی علیه السلام سؤال شد که علت دفن حضرت فاطمه علیها السلام دختر پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله وسلم) در شب چیست؟ ایشان فرمودند: «او از مردمانی (ملتی) خشمگین بود و کراهت داشت بر جنازه اش حاضر شوند و حرام است بر دوستان آنان و دشمنان فاطمه علیها السلام که بر فرزندان آن حضرت نماز گزارند» (1) و مسیر الهی و وحیانی رسالت را بخاطر مطامع و اهداف جاهلی خود بعد از پیامبر تغییر داده و راهی غیر از مکتب رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) و بر خلاف حدیث غدیر خم و خط مشی پیامبر و رسالت الهی انتخاب نمودند. عده ای از طرحان خائن برای مشروعیت بخشیدن به حرکت خود و مقبولیت خلافت غصب شده و بر حق نشان دادن آن و سرپوش گذاردن بر مسیر انحرافی، بیعت گرفتن از خلیفه ذی حق را علم کردند و برای بیعت گرفتن از حضرت علی علیه السلام به در خانه فاطمه علیها السلام آمدند، ولی با امتناع حضرت فاطمه علیها السلام در گشودن در مواجه شدند. به همین دلیل، در خانه او را به آتش کشیدند (2) و فاطمه علیها السلام را مورد هجوم قرار دادند (3).

ص: 30

1- مغازلی: ص 18؛ خوارزمی، 1385ق، ص 94.

2- قاضی

3- مجلسی: ج 53، صص 18-19؛ ابن ابی الحدید، 1385ق، ج 18، ص 193؛ طبری: ص 45، دینوری: ص 20-12، مجلسی: ج 43، ص 198؛ ابن ابی الحدید، 1385ق، ج 2، ص 52؛ ج 6، ص 48؛ امینی، 13: ص 149 - 146.

نگاهی به سیره رفتار سیاسی، اجتماعی حضرت فاطمه علیها السلام و مجاهدت های بی وقفه آن بزرگوار در راستای تبیین و هویت وجودی زن، به خوبی در تاریخ اسلام متجلی است. شناخت و تحلیل مثنوی سیاسی - اجتماعی دخت گرامی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) الگویی دربردارنده مجموعه ای از شاخصه هایی که بیانگر پدیده مورد شناخت، در ارتباطی منسجم با یکدیگر که می تواند در مقام حفظ هویت در عرصه حضور مورد الگو برداری قرار گیرد؛ رمز ماندگاری الگوها زنده بودن تفکر و اندیشه آنها، و همسویی سیره و سخن آنان با فطرت انسان ها، و شناخت پیروان آنان قابل توجه و حایز اهمیت است. هر قدر این شناخت وسیع تر و عمیق تر باشد، بهتر می توان محتوای پیام و گفتار و رفتار آنان را به دست آورد و از آنها در جهت رسیدن به سعادت و تکامل و تحقق ارزشهای فطری و الهی بهره برد. «زن الگو»، در درون خویش به جریان فکری و روحی عمیقی دست یافته است و به پایگاه شناختی، اعتقادی و روحی و رفتاری درست و راستی بر اساس تعالیم و آموزه های دین رسیده است. در اندرون تربیت شده است، خود را، خداوند را، هستی را، جهان را و جامعه و تاریخ را و راه کمال و سعادت و نیکبختی را و پیام آوران و راهبران الهی را شناخته است، آرمان های بلند انسانی و اجتماعی دین را دریافته است، دیانت حق را پذیرفته و نقش و رسالت خویش را در رابطه با خداوند و در برابر خود، دین، تمامی هستی، جامعه و تاریخ، خود آگاه شده است. زن الگو بر پایه این شناخت های خود آگاهانه عمیق: باور و ایمان به خداوند، راه تا کمال و سعادت، پیام آوران و راهبران انبیایی و آدمیت خویش و سرانجام اخروی، در اندرون روح و روان و قلب خود به بار نشسته است و زندگانی و سلوک خویش را بر پایه آن

خودآگاهی ها و شناخت ها و این باورها و عقیده ها و این اخلاقیات و ایمان شکل بخشیده است. وجهه انسانی زنان نمونه این گونه و در این فرایند معرفتی، ایمان و رفتاری شکل می گیرد. زنان تربیت یافته در چارچوب این الگوی انسانی، بان فاطمه علیها السلام حضوری انسان ساز و جامعه ساز در عرصه جامعه و مدیریت اجتماعی دارد. حضرت زهرا علیها السلام که در بطن مسائل سیاسی جامعه و بحران ها رشد کرده و تربیت یافته بود و بر اساس آموزه های نبوی رسالت دفاع از حق و حقیقت را فراتر از قالب های جنسیتی بر دوش خویش احساس می کرد، با بصیرت و آگاهی عمیق نسبت به توطئه ای که هویت انسانی جامعه را هدف قرار داده بود، هشیارانه وارد عرصه جامعه شد و به صورت یک سیاست مدار آگاه و مدافع حریم امامت، در صحنه جامعه حضور جدی و فعال یافت و در عرصه اجتماعی در دفاع از ارزشهای دینی و سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و امامت به عنوان دژ مستحکم حافظ آموزه های ناب نبوی را بر عهده گرفت. محیط پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به سمتی سیر کرده بود که نخستین نشانه های انحراف آن در خصوص زنان نمودار گشت و این در واقع برگشت به سنت های جاهلی محیط مکه مکرمه بود. بدین سان فاطمه زهرا علیها السلام با حضور خویش ضمن به دفاع از جایگاه زن مسلمان و آگاه به زمان باورهای جاهلانه قبل از اسلام را با حضور سیاسی، اجتماعی خویش نفی نمود، فاطمه علیها السلام در جهت بازیابی و احیاء هویت انسانی جامعه مسلمانان گام در مسیری بس سخت و دشوار نهاد. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، حضرت زهرا علیها السلام، را با وقایع سخت و انحرافی که از مسیر رسالتش صورت می گیرد آگاه کرده بود؛ چنان که هنگام رحلت خویش فرمودند: «دخترم بعد از من مورد هجوم و ستم قرار خواهی گرفت. پاره تنم هر

کس تو را آزار دهد مرا آزرده و آنکه به تو پیوندد، به من پیوسته .. زیرا که تو از منی و من از تو ... هر کس از مردم به تو ستم کند، نزد خدا از او شکایت می کنم» (1). در حالی که پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) در بستر بیماری بودند و چیزی از عمر مبارکشان باقی نمانده بود، فدک غضب می شود. فدک به عنوان یک ثروت برای زهرا ارزشی ندارد، ولی به عنوان یک حق ربوده شده و اینکه حق را باید احیاء کرد، برای زهرا مرضیه علیها السلام آنقدر ارزش دارد که با یک عده از زنان بنی هاشم و زنان علاقه مند به ایشان، به مسجد مدینه می رود و در حضور خلیفه وقت، خطبه ای به آن غرایی را در آنجا انشاء می کند و در کمال شجاعت حق خود را می طلبد. او زنی تربیت شده الهی و پیامبر زمان خود است. پذیرش رهبری امام علی علیه السلام از سوی یک زن، با تفکر موجود جاهلی نسبت به زن تضاد داشت؛ اما از سوی دیگر، با پیش ذهنیت هایی که پیامبر گرامی (صلی الله علیه واله وسلم) درباره حضرت زهرا علیها السلام در جامعه ایجاد کرده بودند، کاملاً همخوانی داشت و هنوز وجود گوهر گران قدری همچون

قوی ترین رکن سیاسی جامعه

دختر رسول خدا زهرا علیها السلام به عنوان قوی ترین پایه و اساس سیاسی جامعه برای تشخیص و شناخت جبهه حق از باطل مصداق اتم و کامل رفتار سیاسی بود. حضور سیاسی فاطمه زهرا علیها السلام بیانگر این بود که یک زن با آگاهی و با اتخاذ شیوه های سیاسی مدبرانه می تواند در عرصه اجتماعی به روشنگری و هدایتگری و مبارزه علیه جبهه کفر و نفاق پردازد. حضور صدیقه طاهره علیها السلام سندی است الهی برای اثبات حضور زنان مسلمان و آزاد اندیش در اجتماع، و در واقع انحصار حضور

ص: 33

مردان در عرصه های سیاسی را به نقادی می کشاند. نگاه عالمانه و در عین حال نقادانه حضرت زهرا علیها السلام به اوضاع جامعه آن روز از تاریخ اسلام، از عمق دقت و وسواس حضرت نسبت به مسائل، معضلات و وضعیت جامعه حکایت میکند و به خوبی نشان می دهد که زنانگی تأثیری بر حساسیت اجتماعی نمی تواند داشته باشد. تاکتیک مبارزاتی فاطمه زهرا علیها السلام آگاهی بخشی به جامعه و رشد سیاسی زنان مهاجر و انصار جهت حضور در عرصه های اجتماعی بود که بدین وسیله آتش مبارزه در خانواده های مدینه وارد می شد. این مبارز سیاسی شکست ناپذیر که تلاش خود را در تبیین حقائق اسلام و دفاع از حقوق مسلم اجتماعی مردم و دادخواهی از ولایت و امامت قرار داده بود، به همین دلیل، پس از مدتی فاطمه زهرا علیها السلام به علت بیماری و ضعف، در خانه بستری شد. وقتی خبر بیماری آن حضرت در مدینه پیچید، زنان مهاجر و انصار که افتخار شاگردی در مکتب سیاسی و تعلیم و تربیت فرهنگی آن حضرت داشتند، برای عیادت وی به خانه اش آمدند. وقتی از حال آن حضرت جو یا شدند، از حال خود نگفت، باشکوه از انحراف جامعه از مسیر رسالت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در دفاع از رهبری و ولایت به سخن پرداخت و از سستی مردانشان سخن راند که حق را فراموش کرده اند و سکوت اختیار نموده اند. بازتاب سخنان دخت پیامبر به تدریج در درون خانه ها تحولی ایجاد کرد و جنبشی در جامعه آن روز را جهت داد که به حریم خانه ها راه یافت و نطفه های آگاهی و شعور را بارور کرد. این روش مبارزه نشان می دهد اگر در جامعه ای به جای مشغول ساختن زنان به خود، کار فرهنگی و فکری صورت گیرد و به آنان آگاهی سیاسی داده شود، آنان بهتر می توانند وارد صحنه شوند و به دفاع پردازند.

حضرت زهرا علیها السلام در هدایتگری و آگاهی بخشی و نقد مردم زمان خویش در خطاب به زنان عیادت کننده اش می گوید: «به خدا دنیای شما را دوست نمی دارم و

از مردان شما بیزارم درون و برو نشان را آزمودم و از آنچه کردند ناخشنودم چون تیغ زنگار خورده نابرا و گاه پیش روی واپس گرا و خداوندان اندیشه های تیره و نارسایند. خشم خدا را به خود خریدند و در آتش دوزخ جاویدند» (1). فراتر از نقد، اهتمام فاطمه زهرا به طرح جایگزین برای وضعیت نامطلوب موجود، اوج آگاهی سیاسی - اجتماعی یک زن را به نمایش می گذارد؛ آن جا که می فرماید: «به خدا سوگند، اگر پای در میان می نهادند و علی را بر کاری که پیغمبر به عهده او نهاد، می گذاردند، آسان آسان ایشان را به راه راست می برد و حق هر یک را به دو می سپرد. چنانکه کسی زیان نبیند و هر کس میوه آنچه کشته است، بچیند. تشنگان عدالت از چشمه حاکمیت و رهبری الهی او بهره مند و منافقان و ظالمان در پناه صولت او دلیر می گشتند. اگر چنین می کردند درهای رحمت از زمین و آسمان به روی آنان می گشود. اما نکردند و به زودی خدا به کیفر آنچه کردند آنان را عذاب خواهد فرمود» (2).

حضرت فاطمه علیها السلام همچون سیاست مداری قهرمان در جهت بیداری افکار عمومی مسلمانان به منظور آگاه ساختن آنان از راه خطایی که پیموده اند، به تکلیف و رسالت الهی خویش عمل می کرد و برای روشن ساختن افکار عمومی از انحراف مسیر امامت، چهل شبانه روز دست حسن و حسین علیهم السلام را می گرفت و سوار بر مرکبی می شد و همراه با حضرت علی علیه السلام به در خانه مهاجر و انصار می رفت تا آنها را نسبت به غفلتی که دچار آن شده اند و انحراف موجود، بیدار سازد و غافلان

ص: 35

-
- 1- اربلی، کشف الغمه، ج 2، ص 18؛ مجلسی، بحار: ج 43، ص 58، دشتی، 1378: ص 178؛ طبری، 1413ق، ص 39؛ ابن ابی الحدید، 1385ق، ج 65، ص 20.
 - 2- شهیدی، بی تا، ص 151.

و راحت طلبان را هوشیار سازد. (1) فاطمه زهرا علیها السلام در حقیقت، با حضور سیاسی خود، با یاران رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) اتمام حجت می کرد و آگاهانه و عالمانه با حضور خویش سعی می نمود مسیر انحراف امت و مسیر واقعی را که امامت علی علیه السلام است روشن سازد و نیز حریم ولایت را بی پیرایه ارائه دهد تا در فردای قیامت، برای صاحبان زر و زور و تزویر و عافیت طلبانی که فریب خورده اند، بهانه ای وجود نداشته باشد. در مرحله دیگر، فاطمه زهرا علیها السلام تاکتیک «گریه» را انتخاب کرد (2) و به عنوان یک حربه سیاسی از آن بهره برد. صدیقه طاهره علیها السلام محل گریه خود را مرکز اجتماع مسلمانان (3) قرار داده بود؛ بر سر قبر رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم)، شهدای احد و قبرستان بقیع می رفت و در این اقدام، همراه کودکان خردسالش (برای تحت تأثیر قرار دادن جامعه و در ساعات شب و روز با ذکر مرثیه هایی در فقدان پدر بزرگوار خویش (4) و انحراف امت پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله سعی می کرد جامعه خفته را بیدار سازد.

فاطمه علیها السلام عالمه ای مبارز

صدیقه طاهره علیها السلام در دامن اشرف و احسن از بندگان خدا و در خانه ای تربیت گردید که روح الامین حامل وحی الهی بدون اذن دخول وارد نمی شد و پس از ازدواج بانوی خانه ای شد که زمینش با صاحب خانه به اذن خدا صحبت می کرد و

ص: 36

1- دینوری، 1380، ج 1، ص 12؛ ابن ابی الحدید، 1385، ج 2، ص 5.

2- مجلسی، 1354: ج 43، ص 193؛ علم الهدی، 1369: ص 38.

3- ر.ک قمی، 1369.

4- مجلسی، 1354: ج 43، ص 181.

جریانات مختلف روز را برای مولای جهانیان تعریف می کرد.

فاطمه پیوسته از بارقه‌های وحی الهی از همان دوران کودکی برخوردار بود و با صدای امین وحی آشنا و خداوند سینه ای بسان سینا برای دریافت و حفظ اسرار الهی به او عنایت کرده بود، زنان جوامع مختلف برای دست یابی به جایگاه حقیقی و انسانی و رسیدن به مرتبه واقعی بندگی خداوند و آشنایی با جایگاه اجتماعی خود، نیازمند هدایتگری توانا و الگویی تاریخی برای تمامی نسل ها در اعصار پیش رو هستند. کسی که نمونه انسان کامل باشد و او کسی نیست، جز فاطمه علیها السلام که در مرتبه والا و اوج فضیلت و کمال انسانی است. نگاه به زندگی و شخصیت این بانو باید فراتر از نگاه به دخت پیامبر، همسر ولایت و مادر امامت باشد.

فاطمه علیها السلام در جایگاه والای الهی خود صاحب ولایت کبری است و معرفت به سیره عملی و نظری او شناخت عفت و عزت را برای انسان ها به ویژه بانوان به همراه دارد. از این رو شناخت ابعاد متفاوت حیات باعظمت فاطمه علیها السلام برای تمام افراد جامعه امری مهم و تأثیر آن بر روی زندگی غیر قابل انکار و تأسی به آن نجات بخش است، چرا که او فاطمه، بتول، زهرا، صدیقه، مبارکه، طاهره، محدثه، زکیه، راضیه، مرضیه. برای حیات بشری است. حضرت زهرا علیها السلام از همان دوران عمر کوتاه و پر برکتش فصول مبارزه و قیام را در شرایط مختلف رقم زد و فاطمه علیها السلام را مدافعی خستگی ناپذیر برای حیات اسلام قرار داد، دفاعی که لقب اولین شهیده راه حق و عدالت خواهی و دفاع از رسالت و حریم امامت را برایش به همراه داشت. شاید فاطمه علیها السلام تنها بانویی باشد که در یک عرصه و چندین جبهه مبارزه کرد و در تمام آنها پیروز و سرافراز بیرون آمد. فاطمه علیها السلام دارای مسئولیت

ص: 37

سیاسی - اسلامی در دفاع از اسلام و تبلیغ آن است؛ زهراء علیها السلام مدافع و مربی بانوان مسلمان در احقاق حقیقتشان و اولین مربی آنها در همسررداری و تربیت فرزندان است. حضرت فاطمه علیها السلام در آغازین روزهای تبلیغ شریعت اسلام، مسئولیت بخشی از ترویج اسلام و دفاع از رسول خدا را بر عهده داشتند. ایشان در خانه با فراهم کردن شرایط آسایش و پرستاری از جراحات پدر که توسط کفار برایشان عارض می شد، به نوعی تقویت کننده روحیه رسول خدا برای ادامه ترویج دین اسلام بودند محافل علمی و آگاهی بخشی به بانوان و پاسخ دادن به سؤالات آنها پا به پای رسول خدا در ترویج اسلام گام های مؤثری بر می داشتند.

در اکثر غزوات با حضور در جبهه و پرستاری از مجروحان و همراهی با پیامبر و پسر عموی خود در دفاع از اسلام همراه دیگر مسلمانان شرکت داشتند. البته این اقدامات حضرت فاطمه علیها السلام گویای شخصیت بارز ایشان در جامعه آن روز به عنوان یک بانوی اجتماعی و سیاسی است. بزرگ بانوی دو عالم حضرت فاطمه علیها السلام گرچند در منصب امامت، وصی رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم) نبود، اما به جهت بهره مندی از کمالات وجودی نظیر «تطهیر الهی» از ماسوی الله، از حجیت دینی برخوردار بوده و لذا قول و فعل و تقریر آن حضرت در شناخت حق و تمیز آن از باطل راهگشا و کارساز خواهد بود. در بررسی وقایع و حوادث حیات فاطمه علیها السلام، نسبت به غصب خلافت، حضور فعال سیاسی در اجتماع و با بیان ادله های منصوص و نیز وصیت سیاسی افشاگرانه و ماندگار با هدف دفاع از حریم دین و حمایت از امام بر حق زمان و هدایت امت بر سبیل مستقیم الهی که مصداق آن تبعیت از وصی بلافصل رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم) است. لذا انگیزه ها و اقدامات آن حضرت منبعث از عصمت باطنی اوست و

در جایگاه انسان کامل، با هدف انجام وظیفه هدایتگری، به روشنگری دینی و سیاسی پرداخته و با استناد به آیات و سخنان پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم) وظیفه ابلاغ پیام الهی را در قالب موعظه حسنه مستدل، به انجام رساند و با همین هدف، تکفین و تدفین مخفیانه خویش را وصیت نمود تا در طول تاریخ نقش هدایتگری خود را به نحو احسن و اکمل ایفاء نماید، چرا که به فرموده قرآن کریم انسان کامل همواره داعی الی الله است و همچون سراج منیر نور افشانی می کند. (1)

حضور اجتماعی فاطمه علیها السلام

در اندیشه جامعه شناسان و از منظر علوم اجتماعی، «حضور اجتماعی زنان» به معنای نقش تاثیرگذار فرد در فرایند تحولات زندگی جمعی است؛ اعم از این که این نقش در فضای خانه و سبک زندگی باشد یا بیرون از آن انجام پذیرد؛ درست به همین دلیل است که نقش ها و مسئولیت های خانوادگی در منظر برخی جامعه شناسان از اساسی ترین نقش های اجتماعی بشمار می روند. الگوی رفتاری پیامبر اعظم (صلی الله علیه و اله وسلم) در تبیین تکلیف مداری زن و مرد در امور مشترک ناظر به هویت انسانی، حضور همگان در عرصه سیاسی را ایجاب می نمود و گرچه در زمینه حضور زنان رعایت ضوابط و حدودی به لحاظ حفظ شأن و مقام انسانی آنان مورد تأکید بود، اما این مسأله تغییری در اصل موضوع حضور ایجاد نمی کرد. رفتاری شدن آموزه های نبوی در حفظ کرامت و شأن والای انسانی زن در تأکید بر حضور اجتماعی و بطلان ابدی ادعای محدود نمودن زن از منظر ادیان سماوی بویژه اسلام به عرصه خصوصی را باید در رفتار سیاسی - اجتماعی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، به

ص: 39

بانوی دو عالم در دوران زندگانی خویش دو گونه تجربه می آموزد و براساس آموزهای الهی نگاهی نواز دین ارائه می کند، سیره اجتماعی، اخلاقی فاطمی به مرور در بستر این دو نگاه آسمانی به جایگاه زن، تفصیل بیشتری می یابد تا آن جا که فراتر از جنسیت، ناظر به هویت انسانی زن است. در رویکرد درونی خویش، الهام و رؤیا و عروج و مراقبه و تفکر و نیایش و اخلاق داری و ... دارد و در تجربه برون گرایی خویش نیز در دوره های گوناگون، برای رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم)، در تجسم مادری مهربان ظهور پیدا می کند، همراه و رفیق جماعت دینداران و راهبر خویش است، در شکل گیری ساختار اجتماعی، فرهنگی مدینه همپایی می کند، مدیریت زندگی و تربیت فرزندان و رسیدن به امور منزل را بر عهده دارد، با علی همراهی امین و همسری مهربان می باشد، در عرصه میدان جنگ حضوری فعال دارد، جنبشی سیاسی، اجتماعی ایجاد می کند، با دشمنانی که بنای انحراف و اختلاف از سنت و سیره و اهداف الهی رسول خدا گذاشتند با صلابت و شجاعت مبارزه میکند، قدرت شناختی که از منافقان و توطئه گران دارد موجب می شود که دوستان نادان و ساده لو و مدعیان دروغین همراهی را نمی پذیرد، دوستی صادقانه و آگاهانه دوستان همراه را پاس می دارد و امام و رهبر و مدیران عالم پارسا و شجاع و آگاه به زمان پرورش می دهد با این تجربه ها و با حضور اجتماعی، فرهنگ فاطمی جامعیت و تفصیل بیشتری در عرصه اجتماعی و افکار عمومی شکل می یابد. حضرت زهرا در خطاب به جامعه متمدن از مسیر رسالت و وحی الهی می فرماید: «به این قرآن گوش فرادادید. اگر به آن گوش می کردید، چنان زود سقیفه را تشکیل نمیدادید و به

حضور سیاسی در تداوم خلافت امامان

مبانی و ارکان اساسی امامت و رهبری جامعه انسانی را ابتداء رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) بنا نهاد، و در تداوم آن اساس بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) به صورتی که در اندیشه مکتب تشیع مشهود است، حضرت زهرا علیها السلام در حضور سیاسی که برای دفاع از تداوم رسالت در خلافت امامان معصوم و عدالت خواهی و مبارزه با نحلۀ نفاق انجام داد طراحی کرد، مسلم است که آموخته های این بانوی بزرگ اسلام هر چه بود از دامن رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) و برخاسته بود و بعد از ایشان، امیر المؤمنین علیه السلام و فرزندان ایشان نیز که آموخته های ایشان جز تعالیم رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) نبود، تعالیمی همچون تعالیم دختر بزرگوار رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) و در تداوم آن نهضت عظیم مطالبه گری و حقگرای در تاریخ و بر مبنای همان تفکر و اندیشه منشور سیاسی، اجتماعی و اندیشه آن بزرگ بانو، خطوط فکری شیعه را در سطح وسیع تری ترسیم گردید و در تاریخ ادامه پیدا کرد و ماندگار شد. براساس نص صریح قرآن، امامت، لطف خداوند نسبت به انسانها میباشد. (2) در واقع امامت بسان نبوت، از جمله مسائلی است که شرائط خاص خود داراست و باید از طریق وحی و تعیین الهی صورت گیرد؛ منتها با این تفاوت که نبوت مستقیماً از ناحیه خداست و ارتباط پیامبر با خداست و امامت تعیینی از ناحیه خدا به واسطه پیامبر است. (3) لذا هنگامی که حضرت زهرا از

ص: 41

1- طبرسی، 1416ق، ج 1، ص 265.

2- حلی، 1417ق، ص 384.

3- مطهری، 1368: ص 92.

برگرداندن خلافت به مسیر اصلی خود ناامید شد، فرمود: «و لبئس ما تأولتم، غبه و بیلا» (به بد تأویلی افتادید، عاقبت این کار وخیم است) (1). سپس با استناد به آیه شریفه «وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبِطِلُونَ . . .» (2) کار آنان را مصداق زیانکاران و روندگان راه باطل دانست. بنابراین با توجه به امامت رسالت خاتمه یافته، اما هدایت ادامه دارد و امامت، ادامه رسالت است. اندیشمندان و عالمان مکتب تشیع بر این باورند که امامت از طرف پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) منصوص به کلام خداست و امامت از نسل علی علیه السلام و فاطمه است و از اولاد آن در خارج نمی شود، مگر به ظلم و ستم (3).

با نگاهی به نقشه راهی که دختر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) در مبارزات خود و در قالب خطبه بیان فرمود روشن می شود که کسانی که اصل امامت را به نص ثابت می دانند و آن را از اصول دین می شمارند، بسیاری از رویکردها و مبانی آنان در مسائل حکومتی نیز تغییر پیدا می کند و رابطه امام با امت، رابطه امام با کتاب خدا و... تعریفی می یابد از مسائل دیگر مبتنی بر امامت منصوص، عصمت امام علم امام و اطاعت از امام است که عملاً از حوصله بحث ما خارج است و باید در بابی دیگر بصورت تفصیل به آن پرداخت (4). با اینکه عمر آن حضرت بسیار کوتاه بود و در طی آن مدت، زمینه مناسبی برای نشان دادن آثار و تفکرات خویش نداشت، اما در همین مدت کم بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) با همه تألمات روحی که داشت، در

ص: 42

1- طبرسی، 1416ق، ج 1، ص 144؛ ابن شهر آشوب، بی تا، ج 1، ص 49

2- غافر، 78.

3- نوبختی، 1355: ص 18؛ دائرهالمعارف القرن العشرين، 1971م، ج 2، ص 57.

4- نباطی، 1384، ج 1، ص 112 از مظفر، 1396 ق، ج 2، ص 7.

سخنانی که از ایشان باقی مانده، معارف عمیق و والایی نهفته است که جز نهج البلاغه همسنگی برای آن نمی توان یافت. مباحث و تحلیل های عمیق حضرت درباره توحید، معاد، امامت اهل بیت و فلسفه احکام الهی، بیانگر بینش دقیق ایشان در پیچیده ترین مسائل دینی است و نشان از آن دارد که مقبولیت و مشروعیت دینی و مبنا قرار دادن دین، مقدم بر هر مسأله دیگری است.

فاطمه علیها السلام مظهر ایثار و مجاهدت

بزرگ بانوی اسلام مظهر مجاهدت در راه خداست « وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا » (1)؛ امام باقر علیه السلام در مقام بیان آیه فرموده اند: «نزلت فینا اهل البیت» (2) (این آیه درباره ما اهل بیت نازل شده است). تمام تعبیراتی که در قرآن و کلام پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام در شان فاطمه علیها السلام آمده است، به لحاظ پیوندهای اعتباری آن حضرت با رسول خدا و امیر المومنین و ائمه علیهم السلام نیست؛ بلکه بواسطه رسیدن به اوج مرتبه بندگی خدا و کمال وجودی آن حضرت است که او را متصف به این کمالات حقیقی نموده است، روح الامین جبرئیل که تنها بر انبیاء عظام نازل می شد، تشرف در محضر حضرت فاطمه علیها السلام را یافته و معارف و اخبار آینده را به اطلاع آن حضرت رسانده است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «فاطمه علیها السلام بعد از پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم)، 75 روز زنده بود و از مرگ پدرش اندوه سختی او را گرفته بود، جبرئیل نزدش آمد و او را در مرگ پدرش نیکو تعزیت گفت و از حال پدر و مقام

ص: 43

1- عنکبوت، 69.

2- همان، ص 568.

او و آنچه بعد از وی برای ذریه اش پیش می آید، گزارش می داد و علی علیه السلام آنها را می نوشت» (1). به حکم آیه « وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ » (2) پیامبر مکرم اسلام با معیارهای غیر الهی سخنی را بر زبان جاری نمی سازد و لذا وقتی می فرماید: «فاطمه بضعه مني فمن اغضبها أغضبني» (3) و نیز می فرماید: «يا فاطمه ان الله ليغضب لغضبك و يرضي لرضاك» (4) در مقام معرفی معیار تشخیص حق و باطل در رضا و خشم اوست و لذا باید دانست که وقایع اتفاقیه در زمان حیات آن حضرت از امر رسالت جدا نیست و سیره سیاسی و اجتماعی و مواضع آن حضرت در قضایای مختلف، معیار تشخیص حق از باطل است. وجوب اطاعت از «اولی الامر» از مسلمات قرآنی است: « يا ايها الَّذِينَ آمَنُوا اطيعوا اللَّهَ وَ اطيعوا الرَّسُولَ وَ اولی الامر مِنْكُمْ » (5).

امام باقر علیه السلام در معرفی «اولی الامر» فرمودند: «فاولی الامر فی هذه الایه هم آل محمد (صلی الله علیه واله وسلم)» (6)؛ امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه فرموده اند: «منظور از اولی الامر ما هستیم و آیه جمیع مومنین را تا روز قیامت به اطاعت از ما فرمان می دهد» (7). بر این اساس، بدون شک رهبرانی که قرآن کریم اطاعت بی قید و شرط از آنان را «الی یوم القیامه» اعلام نموده است، باید از خصوصیات بهره مند باشند که در جایگاهی

ص: 44

-
- 1- کلینی، 1383، ج 2، ص 355.
 - 2- نجم، 3.
 - 3- بخاری، 1406ق، ج 5، ص 91.
 - 4- اربلی، 1381: ج 1، ص 458.
 - 5- نساء، 59.
 - 6- فرات کوفی، 1410ق، ج 1، ص 108.
 - 7- فیض کاشانی، 1415ق، ج 1، ص 462.

نظیر جایگاه رسول الله (صلی الله علیه واله وسلم) قرار گیرند؛ چرا که اطاعت از رسول الله (صلی الله علیه واله وسلم) و انقیاد ظاهری و باطنی از آن حضرت امری قرآنی است: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (1). انقیاد مطلق با عدم عصمت سازگاری ندارد و لذا نتیجه قهری آن، این است که «اولی الامر» معصومند و بر اساس فرمان الهی منقاد و مطاعند. آنچنان که خداوند فرمود: «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ . . . إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ . . . ذَرِيهَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ» (2). امام صادق علیه السلام در تبیین فرموده خداوند فرمودند: «نحن منهم و نحن بقیه تلک العتره» (3)؛ (ما از زمره آنان هستیم و ما بازمانده آن خاندان هستیم). پس آل ابراهیم که برگزیدگان الهی اند، آل محمد (صلی الله علیه واله وسلم) هستند که اهل اویند و واجب است کسانی که خداوند برگزیده، مطهر و معصوم و منزله از زشتی ها باشند. (4) آل محمد (صلی الله علیه واله وسلم) در جایگاه «صراط مستقیم»، «حبل الله» و «العروه الوثقی» وظیفه هدایت بشر را بر عهده دارند، وظیفه ای که منبعث از عصمت، طهارت و قدسیت آنان است؛ لذا قول و فعل و تقریر آن پاکان ملاک و معیار تشخیص حق از باطل در کلیه قضایای دوران حیاتشان است؛ از این رو تحلیل زندگی سیاسی هر یک از ائمه علیهم السلام با در نظر گرفتن شرایط حاکم بر زمانشان از ضروریات اهتداء بر سبیل مستقیم الهی است.

سپس به افشاگری پرداخت و قدرت طلبی مزورانه اصحاب سقیفه را بر ملا

ص: 45

1- نساء، 65.

2- آل عمران، 34-32

3- قمی مشهدی، 1368، ج 3، ص 71.

4- طبرسی، 1372: ج 4، ص 41.

ساخته و در پایان، دلیل خشم و غضب و ناراحتی خود را «اطفاء انوار الدین الجلی و اھمال سنن النبی الصفی» (همان) از جانب آنان اعلام فرمود. آن حضرت در موضعی دیگر و در پاسخ به فردی که جوای کلام رسول خدا (صلی اللہ علیہ والہ وسلم) در تأیید امامت و وصایت امیر المومنین علیہ السلام بود، چنین فرمود: «واعجابہ انسیتم یوم غدیر خم؟ سمعت رسول اللہ (صلی اللہ علیہ والہ وسلم) یقول: علی خیر من أخلفہ فیکم و هو الأمام و الخلیفہ بعدی و سبطای و تسعہ من صلب الحسین علیہ السلام ائمه ابرار لئن اتبعتموهم وجدتموهم ہادین مہدیین ولئن خالفتموهم لیکون الاختلاف فیکم الی یوم القیامہ» (1)؛ (این پرسش چقدر شگفت انگیز است آیا شما روز غدیر خم را فراموش کرده اید؟ من از رسول خدا شنیدم که مکرر می فرمود: علی بهترین فردی است که من در میان شما به جانشینی خود برگزیدم، او امام و جانشین بعد از من است و دو فرزندش و نه فرزند از نسل حسین علیہ السلام امامان برحقند که اگر از آنان تبعیت کنید آنان را مسمول هدایت الہی و ہادی امت می یابید و اگر با آنان مخالف ورزید، تا روز قیامت گرفتار اختلاف خواهید بود). آن چه می توان در پایان افزود این مطلب است کہ حضرت فاطمہ علیہا السلام براساس «قم فأنذر» (بر خیز و هشدار بده) (2)، عمل بہ وظیفہ ہدایتگری و اصلاح انحراف ایجاد شدہ در جامعہ آن روزگار را بہ منظور اصلاح افکار و اعمال امت مسلمان تا روز قیامت وجہ ہمت خود ساختہ و در این راہ در تمام مواضع مقتضی، کلام خود را براساس آیات خداوند و نصوص رسول خدا (صلی اللہ علیہ والہ وسلم) بہ نحو موعظہ حسنہ القاء فرمود و در تمام صحنہ های سیاسی دوران پس از رحلت رسول

ص: 46

1- مجلسی، 1404ق، ج36، ص353.

2- مدثر، 2.

مکرم اسلام و با شکوه و اقتدار و در جایگاه هادی ملت برای ادای تکلیفی بزرگ که همانا نجات دین خدا از انحراف بود، به افشای خودکامگی ها و جاه طلبی های مزورانه برخی اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) پرداخت.

ص: 47

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

